بسم الله الرحمن الرحيم

ایجاد انگیزه :

ارتباط با وجود مقدس حضرت ولی عصر اروحنا فداه، ارتباط حضوری هست اینکه انسان از نزدیک شرفیاب محضر امام زمان سلام الله علیه شود. در طول تاریخ غیبت صغری و غیبت کبری بسیاری شرفیاب محضر امام زمان شده اند چه کسانی که حضرت را شناختند یا نشناختند. امام صادق ع می فرمایند: «ولی عصر ارواحنا فداه لیحضر الموسم» همه ساله در موسم حج حضور دارند. «یری الناس» مردم را می بینند. «یرونه» مردم هم حضرت را می بینند. «یعرفهم و لایعرفونه» حضرت مردم را می شناسد ولی مردم امام را نمی شناسند. بنابراین در طول تاریخ غیبت صغری و کبری فراوان بودند کسانی که محضر حضرت شرفیاب شدند گاهی شناختند، گاهی نشناختند ولی سوال مهمی که موضوع بحث هست این که آیا ما اصرار داشته باشیم بر اینکه از این راه با امام زمان ع ارتباط برقرار کنیم یا نه؟ سراغ راههای دیگر ارتباط با امام زمان برویم، از راه حضوری اصرار نداشته باشیم. سوال مهمی هست و پاسخش برای ما در این عصر بسیار حیاتی است.

متن و محتوا :

داستان

برای پاسخ به این سوال داستانی را بیان می کنم از یکی از نواب اربعه وجود مقدس امام زمان ع. فراوان شنیده اید در حدود هفتاد سال غیبت صغری که امام زمان ع داشتند حضرت چهار نایب داشتند. نواب مقامات بسیار بالایی دارند یک افراد معمولی نبودند. شخصیتهای بسیار برجسته ای در تاریخ شیعه به حساب می آیند. همین که کسی قابلیت داشته باشد نایب خاص امام زمان ع باشد برای مقام و عظمت او کافی است ولی حرفهای زیادی است راجع به عظمت این بزرگواران . مرحوم محدث قمی رض در مفاتیح مرقوم فرمودند: کسانی که به عتبات مشرف می شوند زیارت سید الشهداء ع و شهدای کربلا هست، امیرمؤمنان هست، عسکریین و کاظمین هست. شش امام را در عتبات زیارت می کنیم، قبور علمای بزرگی را زیارت می کنیم ولی مرحوم محدث قمی می فرمایند: اگر هیچ کدام از این زیارتها در این سفر نبود، یعنی اگر شش امام در عراق مدفون نبودند و فقط به عراق می رفتیم برای زیارت قبور مقدس این چهار نایب خاص امام زمان ارزش داشت و باید می رفتیم. الان سفر عتبات مشرف می شویم تقریباً شاید تنها زیارتی که از آن غافل هستیم زیارت این نواب اربعه هست ولی محدث قمی رض می فرماید: اگر در این سفر شش امام را زیارت نمی کردی، شش امام در عراق نبودند تمام این زیارتها نبود، شهدای کربلا نبود، قمر بنی هاشم ع نبود، فقط مشرف می شدید برای زیارت این چهار نایب امام زمان ع ارزش داشت، مقام بسیار بالایی دارد.

متولیان مسجد مقدس جمکران، اولی هستند در این زمینه تلاشی داشته باشند که ما با زندگی نواب اربعه آشنا شویم، چطور اینها قابلیت پیدا می کنند سفیر خاص امام زمان شوند، چه ویژگی هایی در زندگی این بزرگواران بوده است؟

سفیر دوم از این چهار سفیر نام بزرگوارش ابو جعفر هست. این بزرگوار از حدود هفتاد سال دوران غیبت امام زمان ع، غیبت اولیه حضرت نایب امام زمان بوده است می دانید؟ از این چهار سفیر در این حدود هفتاد سال، سفیر دوم ابو جعفر یتولّی هذا الأمر نحوا من خمسین سنة در حالات او می نویسند نزدیک به پنجاه سال سفیر امام زمان بود. چه داریم می گوییم؟ یک کسی لیاقت دارد پنجاه سال سفیر خاص امام زمان ع باشد نه سفیر عام. الان مراجع تقلید همه این بزرگواران اینها سفرا و نواب عام امام زمان هستند، اینها نایب خاص نیستند. آن بیان نورانی کلی که «أما الحوادث الواقعة» بر می گردد به آن جمله که در عصر غیبت به علما مراجعه کنید. «من کان من العلماء حافظا لدینه» آن دستوری که هست و فراوان شنیده اید. در مسائل به آنها مراجعه کنید، تمام مراجع تقلید در عصر غیبت کبری اینها همه نایب عام هستند هیچ کسی نایب خاص نیست. هیچ مرجعی هم تا بحال ادعا نکرده که من نایب خاص امام زمان هستم، من دستور دارم، من نامه دارم، من وکالت خاص از امام زمان ع دارم شما شنیده اید؟ علامه بحر العلوم ها، آیت الله العظمی بروجردی ها، شیخ مفیدها، آیت الله العظمی مؤسس حوزه علمیه قم، آیت الله العظمی حائری، امام راحل، کسی ادعا کرده من نایب خاص امام زمان هستم؟ ابداً. اینها نایب عام هستند ولی این سفیر دوم، پنجاه سال سفیر خاص امام زمان بودند، یعنی با نامه حضرت، با دستور حضرت پنجاه سال از هفتاد سال این بزرگوار هست و بیست سالش تقسیم شده بین سفیر اول و سوم و چهارم. پنجاه سال فقط این بزرگوار هست خیلی مهم هست این امر، این که عرض می کنم زندگی نواب اربعه و سفرای چهارگانه امام زمان برای ما درس آموز هست خیلی مهم است. ما بدانیم که اینها چه کردند، چه قابلیتی داشتند؟ چطور ما این همه التماس می کنیم برای رؤیت امام زمان نه در بیداری، نه، گاهی چقدر دعا می خوانیم که حضرت را در عالم رؤیا ببینیم، در خواب ولی این قابلیت را نداریم. در خواب ببینیم امام زمان را ولی یک آقایی قابلیت دارد نه یک سال، نه دو سال، نه ده سال، نه سی، نه چهل، بلکه پنجاه سال سفیر خاص امام زمان باشد. قبل از او پدرش سفیر اول حضرت بود. پنجاه سال نوبت این سفیر دوم شد. همین مقدار برای عظمت این بزرگوار کافی هست. من قبل از اینکه این داستان را بگویم اجازه دهید یک جمله داخل پرانتز بگویم این برای امروز ما لازم هست، برای امروز جامعه ما و افکاری که در جامعه امروز در مورد امام زمان ع حاکم هست، این لازم هست.

عزیزان بپرسید در تاریخ هست در مصادر قدیمی ما هست، شخصیتی مثل شیخ طوسی در کتاب با عظمت غیبت شان نقل کردند، علامه مجلسی در بحار، از مصادر قدیمی نقل فرمودند. سوال: آیا این چهار سفیر خاص وقتی می آمدند به مردم می گفتند ما سفیر امام زمان ع هستیم مردم چطور باورشان می شد؟ چه طور قبول می کردند؟ خیلی نکته مهمی هست، ببینید مواظب باشید امروز متأسفانه به همان مقدار که توجه به وجود مقدس امام زمان ع در کشور ما فراوان شده و باید این توجه باشد. متأسفانه در حاشیه و کنار می بینیم شیادان فراوانی هستند که از مسأله ارادت مردم به امام زمان سوء استفاده می کنند. هر کسی ادعا کند من با امام زمان ارتباط دارم، هر کسی ادعا کند من دستوری از امام زمان ع دارم، این مسأله را خیلی مواظب باشید. من از شما سوال می کنم تا حالا هیچ فکر کردید این چهار سفیر خاص امام زمان ع آیا وقتی در دوران غیبت هفتاد ساله، غیبت اولیه امام زمان می آمدند و می گفتند ما سفیر امام زمانیم، نفر اول آمد گفت من سفیرم، او از دنیا رفت فرزندش ابو جعفر گفت منم، او از دنیا رفت حسین بن روح آمد و گفت منم، او از دنیا رفت آیا می آمدند و می گفتند ما سفیر امام زمانیم مردم می گفتند: خوش آمدید و راست می گویید. از کجا می پذیرفتند. شیخ طوسی رض می فرماید: «لم تقبل الشیعة قولهم، إلّا بعد ظهور آیة و معجزةٍ» اگر می گفت من سفیر امام زمانم، عزیزان شیعه در طول تاریخ، بیدار و هشیار بوده و فریب نمی خورده است. اگر ادعا می کرد من سفیر امام زمانم می گفتند: بسم الله تو راست می گویی تو سفیر خاص امام زمانی، دستور خاص از امام زمان داری، بسم الله یک معجزه به ما نشان بده، از طرف امام زمان آمدی، یک نشانه ای، معجزه ای داشته باش. ما حرفت را نمی پذیریم، بعد ظهور آیة معجزة، اینطور نیست کسی بیاید ادعا کند من سفیر اول، من سفیر دوم، من سفیر سوم، من سفیر چهارم، اگر اینطور بود خیلی ها می آمدند و می گفتند: ما سفیر امام زمان هستیم. این بیداری را داشته باشیم، این هشیاری را شیعه باید مخصوصاً امروز داشته باشد. خیلی ها از اسم ارتباط با امام زمان ع همین امروز در دنیا نه فقط در ایران در عراق، در پاکستان، در اروپا هست. فراوانند شیادانی که می گویند ما نماینده امام زمانیم، با امام زمان ارتباط داریم دستور داریم و به دستور ما عمل کنید.

علماء ما مراجع ما بزرگان ما بیدار بودند این داستان را شاید فراوان شنیده باشید. زمان امام راحل یک کسی آمد گفت: من از طرف امام زمان برای امام پیغام دارم. به قدری حرفش مؤثر بود که همه باور کرده بودند، آنهایی که در دفتر امام رض بودند اینها مستقیم که نمی توانستند خدمت امام برسند باید اول می رفت آنها همه باورشان شده بود. به امام گفته بودند آقا ایشان وقت ملاقات می خواهد خدمت شما برسد و می گوید من پیام مهمی از طرف امام زمان برای شما دارم. امام چه فرموده بودند؟ ببینید شیعه بیدار هست، عالم دینی بیدار هست. امام راحل ما رض فرمودند به هیچ وجه من ملاقات نمی کنم. راست می گوید با امام زمان ارتباط دارد، از طرف امام زمان برای من پیام آورده بسم الله، من سه تا سوال از او می پرسم این سوالات را جوابش را بیاورد تا من ملاقات کنم، مگر نمی گویی با امام زمان ارتباط دارد این سوالات چیزی نیست یکی از سوالات امام این بود یک کتابی را امام گم کرده بودند، فرموده بودند بگویید این کتاب کجاست؟ می شود کسی با امام ارتباط داشته باشد از یک کتاب گمشده اطلاع نداشته باشد؟ هر چه اصرار کردند بیت امام، دفتر امام، اطرافیان که این اصرار دارد می گوید پیام از امام زمان دارم، آقا فرمودند: نه، سوالات من را جواب بدهد، اگر راست می گوید از امام زمان بپرسد مگر پیام ندارد، مگر ارتباط با حضرت نیست، سوال من را جواب بدهد بعد ملاقات می کنم. رفته جواب سوالات را بیاورد و هنوز برنگشته است. قصه ارتباط با امام زمان ع را به بازیچه نگیریم، سخن که به اینجا رسید یک نمونه تاریخی دیگر نقل کنم.

نام احمدبن اسحاق را لابد شنیده اید، از محدثین بزرگ شیعه هست. اگر عزیزانی از طرف سر پل ذهاب آمدند در مسیرشان می دانید قبر این بزرگوار آنجاست، زیارت قبر این بزرگوار بروید، محدث بسیار جلیل القدری هست احمد بن اسحاق قمی به محضر امام عسکری ع رسید. بعد از ولادت امام زمان ع یکی از مشکلات این بود که امام عسکری به همه نمی توانستند خبر ولادت امام زمان را بدهند به افراد خاصی می گفتند. از جمله این افراد احمد بن اسحاق قمی که برای زیارت امام عسکری ع به سامراء رفته بود، حضرت به او فرمودند: یا احمد «لولا کرامتک علی الله و علی حججه» چون تو یک آدم مخصوصی هستی، پیش خدا جایگاه داری، پیش اولیاء خدا مورد احترامی، من فرزندم حجت بعد از خودم امام زمان ع را به تو نشان می دهم. «لولا کرامتک علی الله و علی حججه ما عرضت علیک ابنی هذا». امام زمان ع شاید سه چهار سال از حیات نورانیشان گذشت بود. امام عسکری به افراد خاصی نشان دادند از جمله احمد بن اسحاق قمی. ببینید امام زمان ع را چگونه و به چه کسانی معرفی می کردند؟ شیعه در عصر غیبت چقدر بیدار بوده، در عصر حضور چقدر بیدار بوده، آقا امام عسکری ع فرزند نورانی خودشان را نشان احمد بن اسحاق دادند. احمد بن اسحاق به امام عسکری ع گفت: آقا شما می گویید این آقازاده امام بعد از شماست، امام بعد از شما بر ما این آقا زاده هست «هل من علامة تطمئن بها قلبی»؟ می شود یک نشانه ای هم به من بدهید قلب من اطمینان پیدا کند. چه اشکالی دارد آدم نشانه بخواهد؟ مگر ابراهیم خلیل الرحمان در قرآن نمی فرماید، ابراهیم خلیل الرحمان چه گفت؟ گفت: خدایا نشانه به من نشان بده، مانعی ندارد انسان از خدا نشانه بخواهد، این آیات قرآن هست. «أ و لم تؤمن»؟ ابراهیم ایمان نیاوردی؟ گفت: ایمان آوردم «ولکن لیطمئن قلبی» قلبم اطمینان پیدا کند. مانعی ندارد انسان از امام از خدا برای خدا شناسی نشانه بخواهد، همه عالم نشانه خداست، از امام حجت خدا برای امام بعدی نشانه بخواهد. عرضه داشت «هل من علامة» علامتی هست؟ سوال را از امام عسکری پرسید ولی جواب را امام عسکری نداد کی داد؟ «فنطق بلسان فصیح» امام زمان ع در این سنین خردسالی با زبان فصیح سخن گفت و فرمود: «أنا حجة الله علی أرضه، و المنتقم من أعدائه». حجت الله منم. احمد بن اسحاق قمی به امام عسکری می گوید: یک نشانه ای برای اطمینان قلب من بدهید، مواظب باشید، شیعه بیدار باشید، دنبال شیاداها نرویم و مواظب باشیم به بازار شیادها رونق نبخشیم.

یکی از راههای ارتباط با امام زمان ارتباط حضوری هست. در طول تاریخ غیبت کبری و صغری بسیار محضر امام زمان مشرف شدند، چه شناخته چه نشناخته، سوال این هست آیا ما اصرار بر این راه داشته باشیم که از این راه با امام زمان ارتباط برقرار کنیم یا نه؟ برویم سراغ راههای دیگر، الزاماً نباید حضوری باشد. جواب این سوال را گفتیم با یک داستان می گوییم داستان از کی هست؟ از ابو جعفر سفیر دوم امام زمان در دوران غیبت صغری، پنجاه سال این آقا سفیر امام زمان بوده است و شخصیتی که در جلالت و عظمت و مقام و منزلت او جای بحثی نیست.

شخصی آمد سراغ سفیر دوم شکایت کرد. می گوید: «شکوت شوقی الی رؤیة مولای» به ابو جعفر گفت: آقا من شکایت دارم از شما، تو پنجاه سال هست هر وقت دلت خواسته محضر امام زمان رسیدی نایب خاص حضرتی. خب منم آرزو دارم، منم دل دارم، منم حسرت دیدار امام زمان را دارم. چه می شود این مرتبه که مشرف شدی محضر امام زمان برای من هم وقت ملاقات بگیری، من هم بیایم و امام زمان ع را زیارت کنم. این بزرگوار در جواب این شخص سه تا مطلب را بیان کرد. مطلب اول: گفت: «شکّر الله شوقک» خیلی خوب هست اینکه انسان مشتاق زیارت امام زمان ع باشد خدا به تو اجر جزیل بدهد به تو پاداش بدهد. خیلی خوب هست اینقدر تو مشتاق هستی، امام زمان در عصر غیبت صغری یا کبری فرقی ندارد باید مثل گمشده دنبال امام زمان بگردد.

سخن دوم: گفت: «لا تلتمس أن تراه» اصرار بر زیارت حضوری امام زمان نداشته باش. خیلی ها شاید بگویند این چه بحثی هست شما می گویید، مردم به عشق دیدار امام زمان می آیند، گاهی چهل شب چهارشنبه می آیند انواع و اقسام دعاها را می خوانند برای دیدن امام زمان، شما دارید برعکس این سخن می گویید. سخن من نیست سخن یک سفیر پنجاه ساله ای است که به مقاماتشان اشاره کردم. اصرار نه اینکه نخواهی، بخواه، این شوق دیدار امام زمان اجر و پاداش دارد ولی اصرار نداشته باشید که حتما از این راه با امام زمان ارتباط برقرار کنید. لا تلتمس چرا؟ «فإنّ ایام الغیبة یشتاق الیه» خیلی ها عصر غیبت مشتاق دیدار امام زمان ع هستند ولی و «لا یسئل اجتماع معه» بنا نیست هر کسی مشتاق دیدار امام زمان بود حتماً شرفیاب محضر امام زمان شود. دوران غیبت هست. تازه این سخن در عصر غیبت صغری و محدود هفتاد ساله هست، الان که عصر غیبت کبری هست، برو اصرار بر دیدار نداشته باش.

مطلب سوم: گفت من یک حرف دیگری به شما می گویم از دیدار امام زمان بالاتر می دانید چه هست؟ ای کاش جامعه دینی ما در این فضا بیشتر قرار می گرفت، ای کاش مشتاقان زیارت امام زمان ع به این سخن سفیر خاص امام زمان بیشتر توجه می کردند. حرف اولش گفت: «شکّر الله شوقک» حرف دومش «لا تلتمس أن تراه» حرف سومش گفت: به تو بگوییم «و التسلیم لها أولی، فإنّها من عزائم الله» این یک برنامه الهی هست. دوران غیبت از تصمیمات الهی، برنامه های الهی این است که همه نتوانند شرفیاب محضر امام زمان حضوری شوند ولی بالاتر از زیارت حضوری امام زمان تسلیم این برنامه و سنت الهی بودن هست. تسلیم امام زمان بودن هست. امروز بیش از آنچه که مردم را به زیارت حضوری امام زمان تشویق کنیم باید تشویق به تسلیم بودن در برابر امام زمان ع کنیم. خدا رحمت کند مرحوم آیت الله بهجت رض که می فرمودند: بالاتر از دعا برای تعجیل در فرج امام زمان، دعا برای آمادگی ما برای ظهور امام زمان هست. عالم بزرگواری در خراسان بود، آیت الله سید محمد باقر سیستانی، برادر مرجع بزرگوار تقلیدی که امروز در عراق هستند، آیت الله العظمی سیستانی در مشهد بود و خیلی دلش می خواست امام زمان را زیارت کند، هر دعا و دستوری بود از جمله به ذهنش رسیده بود که چهل روز، چهل صبح جمعه زیارت عاشورا بخواند که امام زمان ع را زیارت کند. این زیارت عاشورا را هر صبح جمعه در یک مسجد نمی خواند در مساجد مختلف می خواند. در مشهد می گفت: من چه می دانم شاید یک مسجد خاصی بیشتر مورد نظر امام زمان باشد. چهل مسجد، جمعه چهلم شد. مشغول زیارت بود. می گوید: در وسط زیارت خواندنم نگاهم بیرون مسجد افتاد از یک نقطه ای دیدم یک نوری ساطع هست، یک نوری بالا می رود. زیارتم را زود تمام کردم از مسجد بیرون آمدم و دنبال این نور رفتم. دیدم از یک خانه ای این نور می آید. در خانه یک عده ای ایستاده اند سوال کردم چه خبر هست در این خانه چه شده است؟ دیدم در خانه باز هست رفت و آمد در این خانه هست. نگفتم من نور می بینم سوال کردم چه خبر هست؟ گفتند: یک خانمی از دنیا رفته و جنازه اش در خانه هست. مردم برای تسلیت به شوهرش و فرزندانش رفت و آمد می کنند. می خواهی شما هم داخل خانه برو. می گوید: وارد شدم و پرسیدم جنازه کجاست؟ گفتند: در فلان اتاق هست. دیدم نور از همان اتاق ساطع هست، وارد آن اتاق شدم به محض اینکه وارد آن اتاق شدم وجود مقدس آقا زمان ع را دیدم که کنار جنازه این خانم ایستاده است. آمدم حرف بزنم آقا اجازه ندادند. فرمودند: مثل این خانم عمل کنید من به دیدن شما می آیم. گفتم: آقا این خانم چه ویژگی داشته است؟ عصر کشف حجاب، عصر رضا خان، که بیرون آمدن از خانه مساوی با بی حجاب شدن بود، امکان نداشت کسی با حجاب وارد کوچه و بازار شود. آقا فرمودند: این خانم در آن دوران کشف حجاب مدتهای طولانی از خانه بیرون نیامد و خودش را در خانه حبس کرد، چون باید بدون حجاب می آمد مثل این خانم باشید من به دیدن شما می آیم.

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله بهجت رض ایشان یک همسایه ای داشتند این همسایه هنوز هست. پیرمرد بسیار محترمی هست، ایشان می گفت: ما چهل سال همسایه دیوار به دیوار منزل آیت الله بهجت بودیم. همسر من از دنیا رفت، آیت الله بهجت به منزل ما آمدند و فرمودند: هر وقت موقع تشییع جنازه همسرتان شد به من خبر دهید. خبر دادیم فلان ساعت تشییع جنازه هست. آقا از در منزل راه افتادند و جنازه را تا حرم حضرت معصومه سلام الله علیها بردند. ایشان گفتند: من خجالت می کشیدم به آقا گفتم: آقا شما با این سن و سالتان با این حالتان راضی نیستیم تا حرم تشریف بیاورید. فرمودند: نه من باید بیایم. تا حرم آمدند و گفتیم: از اینجا می خواهیم جنازه را قبرستان ببریم و فاصله خیلی زیاد هست. تقاضا می کنیم برگردید. فرمودند: من باید تا قبرستان بیایم گفتیم: شما چرا اینقدر اصرار دارید؟ زحمت شماست با این سن و سال، فرمودند: نه این زن جزء شهداء محسوب می شود. اجرش شهداء را دارد. من گفتم: آقا ببخشید شما چطور اینقدر محکم راجع به این خانم قضاوت می کنید؟ فرمودند: بخاطر اینکه ما چهل سال با شما همسایه دیوار به دیواریم، خانه ما به خانه شما یک دیوار دو متری بیشتر فاصله نیست ولی در این چهل سال یکبار صدای همسر شما را در این خانه نشنیدم. ایشان تا قبرستان آمده بودند موقع خاک سپاری این جنازه مانده بودند، جنازه را که دفن کردند ایشان برگشتند. این مهمتر هست یا دیدار حضوری امام زمان ع، والتسلیم این اجمالی بود به این پرسش. همین که این بزرگوار فرمودند: بالاتر از دعا برای تعجیل ظهور امام زمان دعا برای آمادگی ما برای ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هست.

گریز و روضه :

السلام علیک یا بقیة الله، خدایا به حق آقا امام زمان سلام الله علیه به ما قابلیت ظهور حضرتش را عنایت بفرما.

کی شود مهدی بیاید، یا حسین کربلا را واگشاید، یا حسین

کی شود آوای تو از نای او در کنار کعبه آید، یا حسین

می‌شود با یا لثارات الحسین نهضتی بر پا نماید، یا حسین

کی شود گیرد ز دشمن انتقام شعر پیروزی سراید، یا حسین

در دعای ندبه می‌خوانیم: أَیْنَ الطّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِیاءِ وَ أَبْناءِ الأَنْبِیاءِ؟   
**أَیْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِکَرْبَلاءَ؟** أَیْنَ الْمَنْصُورُ عَلى مَنِ اعْتَدى عَلَیْهِ وَ افْتَرى؛ کجاست جوینده‌ی خون پیامبران و فرزندان؟ کجاست جوینده‌ی خون شهید کربلا؟ کجاست آن کسی که بر متجاوزان و فاسقان پیروز است؟

العجل، ای صاحب محراب و منبر، العجل العجل، ای حامی دین پیمبر، العجل

العجل، ای باعث ایجاد عالم، العجل العجل، ای وارث شمشیر حیدر، العجل

شهسوارا، زودتر بشتاب که از انبوه کفر کشور ایمان شده یک سر مسخَّر، العجل

تا به کی ما را بماند بر سر راه وصال چشم حسرت روز و شب حلقه بر در، العجل

مهدی اخر زمان، ای پادشاه انس و جان خیز می کُن دفع دجال بد اختر، العجل (سوگنامه آل محمد، ص 160- 159)

امیرالمؤمنین می‌فرماید: شبی که پیغمبر را غسل دادم، او را در پیراهن خودش غسلش دادم، بعد از آن که پیامبر را به خاک سپردم این پیراهن را پیش خودم نگه داشتم، پیراهنی که رسول الله با آن نماز شب خوانده و عبادت کرده متبرک است. بر تن اولین شخصیت جهان خلقت بوده است.

حضرت می‌گوید: اما خیلی توجه داشتم که فاطمه این پیراهن را نبیند. فاطمه یکی از این روزها امیرالمؤمنین را صدا زد، علی جان! خواسته‌ و خواهشی دارم.

فاطمه جان! تو چه وقت از علی چیزی خواستی که علی توانسته باشد و انجام نداده باشد. علامه مجلسی در جلد 43 بحارالانوار این جریان را نقل کرده است. عرضه داشت: یا اباالحسن! می‌شود پیراهنی را که بابایم را در آن غسل دادی برایم بیاوری. تا یک بار دیگر بوی بابایم را استشمام کنم. یک بار دیگر به یاد بابام اشک بریزم. امیرالمؤمنین پیراهن را آوردند، تعبیر این است: همین که پیراهن را به زهرای مرضیه داد بی بیس پیراهن بابا را روی چشمان و صورتش گذاشت «وَ غشی علیها» (بحار، ج 43، ص 157) طاقت نیاورد که بوی پیراهن بابا را استشمام کند.

یا فاطمه! پیراهن بابا را همین که دیدی بی هوش شدی، اما نبودی کربلا ببینی دختر اباعبدالله نه تنها لباس بابا، بلکه بدن بابا را روی دست عمه دید. خودش را روی بدن انداخت «عمتی هذا نعش من»؟!

سَیعلَمُ الّذینَ ظَلَموا أَی مَنقَلَبٍ ینقَلِبونَ